

بایسته‌های قرار عدم صلاحیت سرقت تلفن همراه در قلمرو مکانی با تأکید بر مفاهیم حقوق جزای بین‌الملل و مقررات دادرسی کیفری ایران

علیرضا زارعی*

امیررضا اسداللهی**

چکیده

اعمال قوانین جزایی در قلمرو مکانی، با اصل تلقی نمودن صلاحیت سرزمینی جاری و ساری می‌گردد. در مقابل، در صورت وقوع بزه در خارج از قلمرو سرزمینی، با اتکاء به استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی و با توجه به اصولی چون اصل صلاحیت شخصی فعال و منفعل و اصول دیگری چون اصل صلاحیت واقعی و جهانی، اعمال قوانین کیفری امکان‌پذیر می‌شود. در همین راستا، در برخی مصادیق مانند وقوع جرم سرقت تلفن همراه، به‌رغم وقوع جرم در خارج از کشور توسط متهم ناشناس، مستندات مشخصی ناظر به حضور یا یافت شدن متهم و به‌خصوص شناسایی او در داخل قلمرو وجود ندارد. بنابراین، مراجع قضایی می‌توانند ضمن توجه به اظهارات مطلعین و شهادت شهود یا ادله‌ی دیگری که اصل وقوع سرقت را تأیید می‌نمایند، با اتکاء به دلایل حداقلی همچون ردیابی سیم‌کارت فعال‌شده در تلفن مسروقه در قلمرو مکانی ایران، مالک سیم‌کارت یا متصرف آن را به‌عنوان متهم مورد شناسایی قرار دهند. بر این اساس، محل

*. قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران.

Alireza.shahidzare@gmail.com

** کارشناس ارشد حقوق خانواده دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
Asadollahiamirreza33@gmail.com

رهگیری خط فعال شده به عنوان محل صالح جهت رسیدگی به بزه‌ی سرقت شناخته شده و چنانچه پرونده در حوزه‌ی قضایی دیگری مطرح گردد، می‌بایست مستنداً به مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده‌ی ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، ضمن توجه به تفاسیر مفاهیم «یافت شدن» و «اعاده شدن» در این مواد و قیود مطرح در مقررات دادرسی کیفری، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع قضایی صالح ارسال نمود.

واژگان کلیدی: حقوق جزای بین الملل، مقررات دادرسی کیفری، سرقت.

مشخصات رأی

شماره قرار: ۱۴۰۲۳۳۳۹۰۰۲۱۰۲۰۱۱

شعبه: شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان
جنوبی (شهرستان بیرجند)

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

موضوع اتهام: سرقت تلفن همراه

مرجع رسیدگی: شعبه دادرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بیرجند

متن قرار دادسرا

احتراما در خصوص شکایت آقای م. ص علیه خانم ر. ک و آقای و. ج (خود معرف به نام هویت مجهول حسینی) دائر بر سرقت تلفن همراه با این توضیح خلاصه که "شاکی بدوا در برگ شکوائیه اعلام نموده است که تلفن همراه وی در مدرس سرقت شده است لاجرم پس از اخذ اظهارات تلفنی و حضوری اعلام نموده که تلفن وی در حرم شریف کاظمین از کشور عراق به سرقت رفته است و در جهت اثبات دو نفر شاهد نیز مبنی بر سرقت نه مفقودی مال ارائه نموده است ضمنا تحقیقات دیگری نیز انجام و مشخص گشته که پس از وقوع سرقت، سیم کارتهایی در تلفن همراه شاکی فعال شده که از حیث آنتن دهی و فعال سازی در شهرستان کرمانشاه بوده است" لذا با در نظر گرفتن جمیع جوانب و مقررات موجود در این زمینه اعتقاد بر این است که اولاً صلاحیت اعمال قوانین کیفری در قلمرو مکان در اصل صلاحیت مبتنی بر صلاحیت سرزمینی است و سایر اقسام صلاحیت، استثنائات صلاحیت سرزمینی بوده و در این موارد از جمله صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجرم یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه دیده، باید به قدر متیقن اکتفا نمود ثانیاً با در نظر گرفتن قوانین آیین دادرسی کیفری به خصوص ماده ۳۱۶ این قانون که به نظر می رسد در مواردی از صلاحیت اعمال قوانین کیفری در قلمرو مکان نسبت به آنجایی که در مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می دارد "یافت شدن و اعاده شدن" توضیح آن در ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است و از این رو حداقل مطلب آن است که متهم می‌بایست دستگیر شود تا بتوان به مساله رسیدگی کرد البته که این دیدگاه محل اختلاف است و در حقوق جزای بین الملل هر دو نظر بیان شده است بدین قرار

که برخی معتقد به این مطلب بوده که متهم حتما باید دستگیر شود تا بتوان رسیدگی را آغاز نمود و برخی بر این عقیده اند که صرف حضور متهم در ایران حتی اگر دستگیر هم نشده باشد کافی جهت رسیدگی بوده است که در توجیه دیدگاه دوم می توان گفت همین که متهم در ایران باشد بدان معنی است که تحت تسلط حاکمیت است و مراد از مفاهیم دستگیری و یافت شدن نیز همین میزان است که حاکمیت فی الجمله بر شخص استیلا داشته باشد در هر حال با لحاظ هر کدام از دو دیدگاه موجود- که در اولی طبیعتا باید قرار موقوفی صادر کرد ولی در دومی جواز رسیدگی وجود خواهد داشت- باید گفت این مرجع صلاحیتی نسبت به این پرونده ندارد چه اینکه متهم در هیچ حالتی در شهرستان بیرجند یافت نشده و دستگیر هم نشده است با این حال فعال شدن یک خط در تلفن همراه شاکی در کرمانشاه (با لحاظ این دیدگاه که صرف فعالسازی دلیل بر اتهام باشد) نشان دهنده ی آن است که متهم در آن حوزه سکونت دارد و لذا ارجحیت و شانیت رسیدگی با مرجعی خواهد بود که صلاحیت تام یا حداقلی را داشته باشد النهایه با لحاظ موارد فوق نظر به اینکه این دادیاری معتقد است هیچگونه صلاحیتی در رسیدگی به پرونده ندارد و این نظر با مذاقه در موضوعات حقوق جزای بین الملل حاصل شده است لذا مستندا به ماده ۳۱۶ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کرمانشاه (محل ردیابی) صادر می گردد. قرار صادره با لحاظ ماده ۲۶۷ قانون مار الذکر، پس از موافقت دادستان محترم قطعی و غیر قابل اعتراض است. دفتر محترم مقرر است پرونده در راستای اعمال ماده ۹۲ قانون فوق، جهت اظهار نظر به رویت دادستان محترم برسد. در صورت موافقت ایشان ضمن برگ شماری از آمار شعبه کسر و به مرجع صالح ارسال گردد.

ع.ز- دادیار شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان جنوبی (شهرستان بیرجند)

مقدمه

قوانین جزایی علاوه بر زمان از لحاظ مکان نیز با محدودیت‌هایی مواجه هستند و منظور از قلمرو حقوق جزا در مکان آن است که قوانین جزایی یک کشور را در چه گستره‌ای از جهان می‌توان اعمال کرد (مومنی، ۱۳۸۸: ص ۲۵) بحث از اعمال قوانین جزایی در قلمرو مکان از جمله موضوعات مهم در حوزه حقوق جزای بین‌الملل است که در قوانین جزایی هر کشور نیز به آن پرداخته شده است فی‌المثل در حقوق ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل کتاب اول این قانون و در چهارچوب فصل دوم با عنوان قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان به این موضوع پرداخته شده است. مواد ۳ الی ۹ از قانون مذکور با بیان مقررات قانونی از وجود اصولی همچون اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت واقعی، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجرم، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه دیده و اصل صلاحیت جهانی پرده برداشته است. برای اعمال هر یک از این اصول صلاحیتی، شرایط خاصی وجود دارد که می‌بایست توسط مراجع قضایی رعایت شود. در این یادداشت رای با توجه به قرار صادره از شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بیرجند، به بررسی ابعاد مختلف قرار صادره و نکات تحلیلی آن راجع به اصل مفهوم سرقت و قواعد جزایی از حیث مکانی می‌پردازیم تا از این طریق مبانی رای صادره با محوریت عدم صلاحیت در حوزه حقوق جزای داخلی و بین‌الملل مشخص و واضح گردد.

۱. امکان سنجی تلقی ردیابی تلفن همراه به مثابه سرقت

در قسمتی از قرار صادره و در صدر آن چنین آمده است که «شاکی اعلام نموده که تلفن وی در حرم شریف کاظمین از کشور عراق به سرقت رفته است و در جهت اثبات، دو نفر شاهد نیز مبنی بر سرقت نه مفقودی مال ارائه نموده است.» همچنین در قسمت ذیل مرقوم شده است که «با این حال فعال شدن یک خط در تلفن همراه شاکی در کرمانشاه (با لحاظ

این دیدگاه که صرف فعال سازی دلیل بر اتهام باشد) نشان دهندهی آن است که متهم در آن حوزه سکونت دارد.» این نحوهی نگارش حاکی از وجود اختلافات مبنایی در جرم تلقی نمودن رفتار واقع شده بر روی مال لقطه است، چه اینکه گروهی معتقدند تصرف خلاف قانون در مال لقطه جرم است، لکن در خصوص اینکه عنوان مجرمانه‌ی عمل ارتكابی چیست، اتفاق نظری وجود ندارد. لذا گروهی قائل به سرقت، گروهی معتقد به خیانت در امانت، برخی قائل به انتقال مال غیر و گروهی نیز معتقد به تحصیل مال از طرق نامشروع هستند. در مقابل، عده‌ای دیگر از حقوقدانان معتقدند که تصرف برخلاف قانون در مال لقطه فاقد وصف مجرمانه است (بسامی، ۱۴۰۰: ۳۹). قائلین به جرم بودن موضوع مال لقطه با محوریت سرقت، به مباحثی چون کافی بودن تسلط اعتباری بر مال بدون نیاز به تسلط عینی (آقایی‌نیا و رستمی، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۰) یا باقی ماندن حق مالکیت نسبت به مال صرف نظر از مفقود شدن آن اشاره می‌کنند (بوشهری، ۱۳۸۷: ۱۷۹). در مقابل، قائلین به عدم تحقق سرقت نیز به دلایلی چون ضرورت تصرف عینی نسبت به مال در زمان سرقت توجه کرده (سالاری، ۱۳۸۹: ۲۷۵) و یا اساساً برداشتن مال لقطه را صرفاً واجد آثار مدنی می‌دانند (دلیر، بی‌تا: ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد دیدگاه قائلین به عدم تحقق سرقت از موازین فقهی نیز تبعیت نموده است. در این خصوص، با مذاقه در متون فقهی نیز این‌طور برداشت می‌گردد که لقطه بیش از آن که جنبه‌ی کیفری داشته باشد، امری صرفاً حقوقی است. بر همین اساس، یکی از فقیهان معاصر چنین می‌نویسد: «المال المجهول المالك لا یضیع لا یجوز أخذه و وضع الید علیه، فإن أخذه كان غاصباً ضامناً إلا إذا كان في معرض التلف، فيجوز بقصد الحفظ، و يكون حينئذ في یده أمانة شرعیة، و لا یضمن إلا بالتعدّي أو التفريط، و علی کلّ تقدیری جواز الأخذ و عدمه، لو أخذه یجب علیه الفحص عن مالکة إلى أن یبیس من الظفر به، و عند ذلك یجب علیه أن یتصدّق به أو بئمنه، و لو كان ممّا یعرض علیه الفساد و لا یبقی بنفسه بیبعه أو یقوّمه و یصرفه، و الأحوط أن یكون البیع بإذن الحاكم مع الإمكان، ثم بعد الیأس عن الظفر بصاحبه

یتصدّق بالثمن» (فاضل موحّدی لنکرانی، ۱۳۸۷: ۳۰۵). از همین رو، در قرار صادره و به‌رغم اختلافات در پذیرش تحقق جرم نسبت به مال لقطه و با رعایت جمع میان حقوق شاکی و متهم، با ذکر این نکته که در خصوص سرقت شهودی فی‌الجمله وجود داشته، یعنی مسئله چیزی بیش از مصداق لقطه بوده است، و در نهایت با لحاظ مبانی موجود راجع به لقطه و حتی دیدگاه شاذ جرم‌آبانه‌ی عمل، نسبت به عنوان سرقت در رفتار تشریح‌شده، تصمیم‌گیری شده است. بدیهی است در صورت نبود شهود و به صرف فرض لقطه، ارتکاب جرم محل تردید جدی و از موارد اثبات مادون از شک معقول تلقی و صدور برائت با توجه به اصل قانونی بودن دادرسی کیفری و اصل حداقلی بودن حقوق جزا از لوازم آن محسوب می‌شود. لازم به ذکر است در صورت قائل بودن به هر فرضی، چه مجرمیت و چه اباحه‌ی عمل در این پرونده، شعبه‌ی صادرکننده‌ی قرار، اساساً برای خود صلاحیتی قائل نبوده و لذا در راستای عمل به تکالیف قانونی مندرج در مقررات جزایی ماهوی و شکلی، ضمن نفی صلاحیت، پرونده را برای رسیدگی به مرجعی که دارای صلاحیت مقرون به واقعیت قانونی بوده، ارسال نموده است. در ادامه، مبانی قرار عدم صلاحیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. فلسفه وجودی ایراد صلاحیت

اعمال قوانین کیفری از لحاظ قلمرو مکانی در دو حوزه‌ی داخل و خارج از قلمرو مورد بحث قرار می‌گیرد. بالطبع، زمانی که صلاحیت استفاده از قانون جزایی در داخل حوزه‌ی جغرافیایی یک سرزمین مدنظر باشد، تعبیر به صلاحیت سرزمینی و آنگاه که به حوزه‌های فراجغرافیایی نگریسته شود، بحث از استثنائات صلاحیت داخل‌قلمرویی یا استثنائات صلاحیت سرزمینی به میان خواهد آمد. در قرار صادره، مرجع قضایی رسیدگی‌کننده دقیقاً به محتویات جزای بین‌الملل پرداخته و با اتکاء به ضوابط مندرج در قانون آیین‌دادرسی کیفری و تأکید بر مواد ۷ و ۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ راجع به تفاسیر اتخاذی از الفاظ

«یافت شدن و اعاده شدن» و نوع نگرش به ماده‌ی ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انشاء قرار عدم صلاحیت را قانونی و صحیح پنداشته است. فرض موجود در پرونده ناظر به وضعیتی است که اصل وقوع جرم در حوزه‌ای خارج از قلمرو حاکمیتی و سرزمینی ایران واقع شده، با این حال ردپایی از مظنون احتمالی در ایران - آن هم با رهگیری سیم‌کارت فعال‌شده در تلفن مسروقه - محتمل تلقی گردیده است. بنابراین، اصل اعمال قانون جزایی ایران نسبت به جرم واقع‌شده در خارج از کشور تحلیل و بررسی و النهایه ایراد صلاحیتی به رسیدگی در شهرستان بیرجند طرح‌ریزی شده است. در نتیجه، ایراد صلاحیت در دو حوزه‌ی ماهوی و شکلی مطرح و بررسی می‌گردد. لازم به ذکر است در چنین موردی، نظر به صرف فعال‌سازی یک سیم‌کارت، بحث از امکان‌سنجی صدور نیابت قضایی پیش از صدور عدم صلاحیت نیز محل تأمل خواهد بود که در ادامه به این موضوعات پرداخته می‌شود.

۲-۱. ایراد ماهوی (حقوق جزای بین الملل)

اتکاء قرار صادره به تفاسیر وارده از دو مفهوم «یافت شدن و اعاده شدن» مخصوصاً «یافت شدن» و چالش فعال‌سازی یک سیم‌کارت در تلفن مسروقه به عنوان دلیلی بر یافت شدن متهمین در ایران با عنایت به مواد ۷ و ۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مهم‌ترین دلیل ماهوی در صدور قرار عدم صلاحیت می‌باشد. مطابق ماده‌ی ۷ این قانون: «... هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود...» همچنین وفق ماده‌ی ۸: «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود...» به راحتی می‌توان پی برد که مواد فوق شرط حضور متهم در ایران را برای اجرای قوانین جزایی کشورمان نسبت به جرایم مرتکبین در خارج از کشور

لازم می‌داند و این حضور را هم شامل یافت شدن و هم اعاده شدن دانسته است. منظور از یافت شدن در ایران، حضور دائمی یا موقت مرتکب در ایران است، اعم از اینکه اقامتگاه یا محل سکونتی هم در ایران داشته یا نداشته باشد و اعم از اینکه حضور او به انتخاب یا به اضطرار باشد. از آنجا که یافت شدن مرتکب، شرط اجرای قوانین جزایی ایران است و با توجه به اصل ملازمت و پیوستگی صلاحیت‌های تقنینی و قضایی، به نظر می‌رسد که باید حداقل امارات و نشانه‌هایی دال بر حضور مرتکب در ایران وجود داشته باشد تا بتوان مراجع قضایی ایران را برای شروع به رسیدگی صالح دانست (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۹۱). بر این اساس، تلقی فعال‌سازی سیم‌کارت در تلفن مسروقه در پرونده‌ی مورد نظر، به‌مثابه‌ی توجه به امارات حداقلی در این قرار مورد توجه قرار گرفته است و با لحاظ شهادت شهود چنین نتیجه‌گیری شده است که متهمین در ایران حضور دارند.

۲-۲. ایراد شکلی (مقررات دادرسی کیفری)

استدلال مرجع قضایی به نوع ارتباط میان مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی با ماده‌ی ۳۱۶ از قانون آیین دادرسی کیفری و استنباط چنین تعاملی میان این مواد با ذکر توضیحی بودن قیود ماده‌ی ۳۱۶ پیرامون الفاظ یافت شدن و اعاده شدن در جهت تقویت و غنای قرار عدم صلاحیت به حوزه‌ی قضائی که رسیدگی به جرم را در آن محدودده صالح می‌داند - که در این پرونده شهرستان کرمانشاه ذکر شده است - در خور توجه می‌باشد. بر این اساس، قاضی صادرکننده‌ی قرار با اشاره به ماده‌ی ۳۱۶ بر این نکته تأکید نموده و چنین می‌نویسد: «با در نظر گرفتن قوانین آیین دادرسی کیفری به‌خصوص ماده‌ی ۳۱۶ این قانون که به نظر می‌رسد در مواردی از صلاحیت اعمال قوانین کیفری در قلمرو مکان نسبت به آنجایی که در مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد "یافت شدن و اعاده شدن"، توضیح آن در ماده‌ی ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است و از این رو حداقل مطلب آن است که متهم می‌بایست دستگیر شود تا بتوان به مسئله رسیدگی کرد.» نکته‌ای

که در عبارت رأی مستتر است، لزوم دستگیری متهم جهت شروع به تعقیب به لحاظ کم‌اهمیت‌تر بودن اصول صلاحیت شخصی فعال و منفعل است. در حقیقت، نگرش اولیه‌ی مرجع قضایی به مفهوم یافت شدن در مواد فوق، ضرورت دستگیری مرتکب جرم است، آن هم از این جهت که درجه‌ی اهمیت صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده یا مرتکب به مراتب نسبت به سایر اصول صلاحیتی کمتر و قابل اغماض است، به‌خصوص آنکه امکان محاکمه‌ی غیابی محل تردید خواهد بود. توضیح آنکه برخی معتقد به محاکمه‌ی غیابی در این موارد بوده و می‌گویند چون صرف حضور متهم در کشور برای اعمال اصل صلاحیت شخصی فعال یا منفعل شرط شده است، دولت مزبور با رعایت موازین قانونی، حق رسیدگی و محاکمه‌ی غیابی را پس از احضار متهم دارد؛ به علاوه، صرف حضور آزادانه و داوطلبانه‌ی وی به عنوان یک مجرم در کشور موجب اخلال در نظم عمومی و جریحه‌دار نمودن احساسات عمومی است. بنابراین، صرف حضور متهم هر چند هنوز دستگیر نشده باشد، برای تعقیب و محاکمه‌ی او کافی می‌باشد. با این حال، به زعم برخی، چنین تفسیری از حضور متهم در کشور با مبانی و اهداف اصل صلاحیت شخصی فعال یا منفعل سازگاری ندارد، چرا که اساساً در اصل صلاحیت شخصی فعال یا منفعل، نفع چندانی برای کشور در تعقیب، محاکمه و مجازات وجود ندارد تا توجیه‌کننده‌ی محاکمه‌ی غیابی باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد حضور متهم یا به تعبیر دیگر یافت شدن متهم به معنای دستگیر شدن او توسط ضابطین دادگستری و دسترسی مقامات قضایی به اوست (پوربافرانی، ۱۴۰۲: ۶۰-۶۱ و ۱۰۶). با لحاظ این اختلاف نظر میان دکتترین جزای بین‌الملل، مرجع تحقیق رویکردی میانه را پی گرفته و چنین استدلال می‌نماید: «در حقوق جزای بین‌الملل هر دو نظر بیان شده است، بدین قرار که برخی معتقد به این مطلب بوده که متهم حتماً باید دستگیر شود تا بتوان رسیدگی را آغاز نمود و برخی بر این عقیده‌اند که صرف حضور متهم

در ایران حتی اگر دستگیر هم نشده باشد کافی جهت رسیدگی بوده است که در توجیه دیدگاه دوم می‌توان گفت همین که متهم در ایران باشد بدان معنی است که تحت تسلط حاکمیت است و مراد از مفاهیم دستگیری و یافت شدن نیز همین میزان است که حاکمیت فی‌الجمله بر شخص استیلا داشته باشد. در هر حال، با لحاظ هر کدام از دو دیدگاه موجود - که در اولی طبیعتاً باید قرار موقوفی صادر کرد ولی در دومی جواز رسیدگی وجود خواهد داشت - باید گفت این مرجع صلاحیتی نسبت به این پرونده ندارد، چه اینکه متهم در هیچ حالتی در شهرستان بیرجند یافت نشده و دستگیر هم نشده است. با این حال، فعال شدن یک خط در تلفن همراه شاکی در کرمانشاه (با لحاظ این دیدگاه که صرف فعال‌سازی دلیل بر اتهام باشد) نشان‌دهنده آن است که متهم در آن حوزه سکونت دارد و لذا ارجحیت و شأنیت رسیدگی با مرجعی خواهد بود که صلاحیت تام یا حداقلی را داشته باشد. «بنابراین، مرجع قضایی از یک سو امکان تعقیب و محاکمه‌ی غیابی در فرض عدم حضور متهم در ایران را رد و از سوی دیگر دستگیری کامل متهم را ضروری ندانسته و همین که در کشور حضور وی محرز شود را کافی جهت رسیدگی فرض و استدلال قائلین آن را تقویت می‌نماید. لازم به ذکر است اشاره‌ی مرجع قضایی به صدور قرار موقوفی تعقیب در فرض عدم حضور و یا عدم دستگیری کامل متهم، همسو با قائلین دستگیری کامل متهم است که حتی امکان تعقیب را نیز با توجه به کم‌اهمیت دانستن اصول صلاحیت قائم به شخص و استثنا فرض کردن آن، محتمل ندانسته‌اند. در مقابل، می‌توان گفت در صورت عدم حضور متهم در ایران، مراجع قضایی می‌توانند تنها تحقیقات مقدماتی را به منظور جمع‌آوری دلایل و مستندات لازم برای طرح تقاضای استرداد وی انجام دهند. پس از آن، در صورت استرداد متهم، وی توسط دادگاه‌های ایران قابل محاکمه خواهد بود (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۹۲). همچنین این نکته‌ی شکلی از رأی مستفاد می‌گردد که اگرچه هویت واقعی سارق اساساً در پرونده مشخص

نبوده و صرفاً یک فعال‌سازی خط در تلفن سرقتی برای مشخص شدن هویت مرتکب احتمالی وجود دارد، با این حال شعبه‌ی رسیدگی‌کننده با اتکاء به همین امارات حداقلی صلاحیت خویش را نفی و ضمن توجه به ماده‌ی ۳۱۶ ناظر به تابعیت مجرم که اگر خارجی باشد، دادگاه‌های تهران را صالح دانسته، با لحاظ اسامی خطوط و فرض نمودن تابعیت ایرانی مرتکبین احتمالی که دارای مشخصات ایرانی بوده‌اند، شهرستان کرمانشاه را شایسته‌ی تعقیب و تحقیق تشخیص داده است و بالطبع با ذکر این جمله که «باید گفت این مرجع صلاحیتی نسبت به این پرونده ندارد، چه اینکه متهم در هیچ حالتی در شهرستان بیرجند یافت نشده و دستگیر هم نشده است»، امکان صدور حداقل قرار نیابت قضایی به حوزه‌ی قضایی دیگر مثل کرمانشاه را نیز منتفی فرض می‌نماید، زیرا اولاً نه جرمی در شهرستان بیرجند واقع شده است، ثانیاً نه متهمی در این حوزه دستگیر یا یافت شده است، ثالثاً نه موقعیت مکانی خطوط پس از سرقت در بیرجند مستندسازی گردیده است و لذا با اتکاء به عدم صلاحیت ابتدایی، امکان صدور نیابت قضایی را نیز منتفی می‌نماید.

نتیجه‌گیری

۱- اگرچه صرف فعال‌سازی سیم‌کارت در تلفن همراه مسروقه، دلیلی بر توجه اتهام نمی‌باشد، اما با چیدمان ادله‌ی دیگر مانند شهادت شهود، می‌توان از آن به‌عنوان یک دلیل بر علیه مالک خط یا متصرف آن استفاده نمود. بر این اساس، در صورت ارتکاب جرم سرقت تلفن همراه در خارج از قلمرو سرزمینی ایران، زمانی می‌توان شخصی را به‌عنوان متهم در داخل قلمرو ایران شناسایی نمود که علاوه بر فعال‌سازی خط در تلفن مسروقه، ادله‌ی دیگری مانند شهادت شهود و غیره راجع به اصل عملیات سرقت وجود داشته باشد. در این راستا و با تلقی محل حضور مالک خط در هر یک از حوزه‌های قضایی، مستنداً به مواد ۷ و ۸ از قانون مجازات اسلامی و ماده‌ی ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری و بدون انجام هر گونه تحقیقات، صرفاً پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت به مرجع صالح ارسال می‌گردد.

۲- مراد از حضور متهم، یافت شدن وی در ایران و احراز اصل حضور مکانی در قلمرو حاکمیتی است تا از این طریق امکان دستگیری و تسلط بر او توسط مرجع قضایی فراهم گردد. بنابراین، دستگیری بالقوه کافی به مقصود و موجب رسیدگی است. در نتیجه، صدور قرار موقوفی تعقیب به علت عدم دستگیری کامل فاقد وجاهت قانونی است. در مقابل، چنانچه حضور متهم در ایران به کلی محرز نگردد، با عنایت به استثنائی بودن صلاحیت شخصی فعال و منفعل و اهمیت کم آن نسبت به سایر اصول صلاحیتی، علاوه بر نفی محاکمه‌ی غیابی، تعقیب غیابی نیز منتفی و صدور قرار موقوفی تعقیب موجه خواهد بود.

۳- در صورت نامشخص بودن تابعیت مرتکب جرم (ایرانی یا خارجی بودن)، چنانچه سیم‌کارت شخص با هویت ایرانی درون گوشی فعال

گردد، شک با دلیل حداقلی برطرف و مرتکب، ایرانی فرض و با لحاظ مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه محل دستگیری مرتکب صالح خواهد بود.

۴- اصول صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجرم و بزه‌دیده، به‌عنوان استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی شناسایی شده و استثنای انگاری این اصول، این ضرورت را آشکار می‌نماید که می‌بایست در تفسیر و استفاده از آن به قدر متیقن اکتفا نمود.

فهرست منابع

۱. آقایی نیا، حسین؛ رستمی، هادی (۱۳۹۷)، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۲. بوشهری، جعفر (۱۳۸۷)، حقوق جزا- اصول و مسائل، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. بسامی، مسعود (۱۴۰۰)، تحلیل مسئولیت کیفری ناشی از تصرف در مال لقطه، پژوهش حقوق کیفری، س ۱۰، شماره ۳۷.
۴. پوربافرانی، حسن (۱۴۰۲)، حقوق جزای بین الملل، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات جنگل.
۵. خالقی، علی (۱۳۹۸)، جستارهایی از حقوق جزای بین الملل، چاپ ششم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۶. دلیر، جمید، بی تا، نگرش علمی و کاربردی به جرم سرقت، نشریه پیام آموزش، شماره ۲۰ و ۲۱ و ۲۲.
۷. سالاری، مهدی (۱۳۸۹)، سرقت تعزیری و رایانه ای، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۷)، تفصیل الشریعه (کتاب الغصب و الاحیاء الموات و المشتركات واللقطه)، چاپ اول، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار.
۹. مومنی، مهدی (۱۳۸۸)، مبانی حقوق جزای بین الملل ایران، چاپ سوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.